

شناسایی عناصر گفتمان فضیلت در روایات اخلاقی با روش تحلیل مضمون

۱. محمدرضا علی اکبری*: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Aliakbarimr1362@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل انتقادی مفاهیم «کرامت» و «شأن انسانی» در متون فقهی و بررسی چالش‌های مفهومی آن با رویکرد تحلیل مفهومی انجام گرفت. پژوهش به صورت کیفی و با استفاده از روش تحلیل مفهومی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از متخصصان حوزه فقه و حقوق اسلامی در تهران جمع‌آوری گردید. انتخاب شرکت کنندگان به روش هدفمند صورت گرفت و فرآیند گردآوری داده‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها از طریق تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار Nvivo انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد مفهوم کرامت انسانی در متون فقهی به دو صورت کرامت ذاتی (طبیعی و غیرقابل سلب) و کرامت اکتسابی (وابسته به تقوا و عملکرد اخلاقی) مطرح است. همچنین مشخص شد که شأن انسانی مفهومی متفاوت از کرامت بوده و بیشتر وابسته به جایگاه اجتماعی و عرف است. کاربرد این مفاهیم در فقه کیفری، سیاسی، خانواده و پزشکی نیز به روشنی مشخص گردید. چالش‌هایی مانند تعارض مجازات‌های شرعی با اصل کرامت انسانی، تبعیض جنسیتی، ابهام مفهومی، و ضرورت تطابق با مفاهیم حقوق بشر از دیگر یافته‌ها بود. مفاهیم کرامت و شأن انسانی در فقه اسلامی با وجود اهمیت بنیادی، با چالش‌های قابل توجهی مواجه هستند که نیاز به بازنگری و تبیین دقیق‌تر دارند. توجه به اصل کرامت انسانی در تنظیم و اجرای احکام فقهی و قانونی ضروری بوده و باید مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی و آموزشی قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: کرامت انسانی، شأن انسانی، تحلیل مفهومی، فقه اسلامی، حقوق بشر، تحلیل مضمون

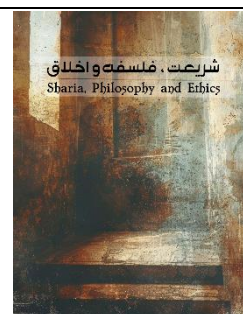
شیوه استناددهی: علی اکبری، محمدرضا. (۱۴۰۳). شناسایی عناصر گفتمان فضیلت در روایات اخلاقی با روش تحلیل مضمون. شریعت، فلسفه و اخلاق، ۲(۲)، ۹-۱.

تاریخ ارسال: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۷ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۸ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۳



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



Identifying the Elements of the Discourse of Virtue in Ethical Narratives Using Thematic Analysis

I. Mohammadreza Aliakbari: Department of Islamic Jurisprudence and Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran

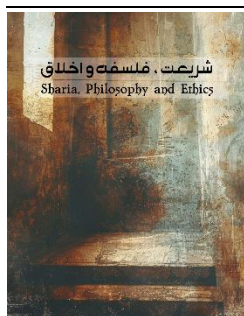
*Corresponding Author's Email: Aliakbarimr1362@gmail.com

Abstract

This study critically analyzes the concepts of "dignity" and "human worth" in jurisprudential texts, highlighting conceptual challenges using a conceptual analysis approach. The research employed a qualitative design utilizing conceptual analysis methodology. Data were collected through semi-structured interviews with 18 Islamic jurisprudence and law experts in Tehran. Participants were selected purposefully, and data collection continued until theoretical saturation was reached. Data analysis was conducted via thematic analysis using Nvivo software. Results revealed two forms of human dignity in jurisprudential texts: intrinsic dignity (natural and inalienable) and acquired dignity (dependent on piety and ethical actions). Furthermore, human worth was found to be distinct from dignity, primarily tied to social status and cultural norms. The applicability of these concepts in criminal, political, familial, and medical jurisprudence was clearly identified. Additional findings highlighted critical challenges including the conflict between certain Islamic punishments and the principle of human dignity, gender discrimination, conceptual ambiguity, and the necessity of compatibility with human rights principles. Despite the fundamental importance of dignity and human worth in Islamic jurisprudence, significant conceptual challenges persist, necessitating further clarification and reevaluation. Emphasizing human dignity in formulating and enforcing jurisprudential rulings and laws is crucial, serving as a foundation for social and educational policymaking.

Keywords: *Human dignity, Human worth, Conceptual analysis, Islamic jurisprudence, Human rights, Thematic analysis*

How to cite: Aliakbari, M. (2024). Identifying the Elements of the Discourse of Virtue in Ethical Narratives Using Thematic Analysis. *Sharia, Philosophy and Ethics*, 2(2), 1-9.

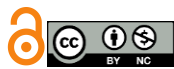


Submit Date: 20 April 2024

Revise Date: 27 May 2024

Accept Date: 17 June 2024

Publish Date: 3 July 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مفهوم «کرامت انسانی» از جمله مفاهیم بنیادین در مباحث اخلاقی، حقوقی و به‌ویژه در حوزه اندیشه اسلامی و فقهی محسوب می‌شود که همواره موضوع تحلیل‌های عمیق و چندجانبه بوده است. این مفهوم در تاریخ اندیشه اسلامی، همواره مورد توجه عالمان دینی، فیلسوفان و فقیهان بوده و از جمله مفاهیمی است که گسترهٔ کاربرد آن از عرصه فردی و اخلاقی تا حوزه‌های وسیع‌تر اجتماعی، سیاسی و حقوقی امتداد می‌یابد (Motahhari, 2000). توجه به «شأن انسانی» نیز به‌موازات آن در ادبیات اسلامی به‌شکل گسترده‌ای منعکس شده است؛ اما اغلب پژوهشگران بر این عقیده‌اند که این دو مفهوم، اگرچه در برخی موارد همپوشانی دارند، اما دارای تمایزهای اساسی در مبانی و نیز آثار عملی در عرصهٔ اجتماعی و حقوقی هستند (Javadi Amoli, 2008).

در حوزه فقه اسلامی، مفهوم کرامت انسان، بیشتر با توجه به آیات و روایات مورد استناد قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، آیه ۷۰ سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (قرآن کریم، ۱۷:۷۰) به‌طور خاص بر کرامت ذاتی همه انسان‌ها تأکید دارد و به‌عنوان یک سند محوری در این زمینه محسوب می‌شود (Tabatabaei, 1996). از سوی دیگر، فقیهان بر اساس همین منابع، مفهومی از کرامت را طرح کرده‌اند که آن را به دو نوع کرامت ذاتی (طبیعی) و کرامت اکتسابی (عملی) تقسیم می‌کنند. کرامت ذاتی به این معناست که انسان به‌صرف انسان بودن و فارغ از هرگونه تمایز و تفاوت، از شرافتی غیرقابل سلب برخوردار است (Sobhani, 2003). در مقابل، کرامت اکتسابی به فضیلت‌ها و دستاوردهای اخلاقی و معنوی فرد مربوط می‌شود که از طریق اعمال صالح و رعایت تقوا به‌دست می‌آید (Misbah Yazdi, 2004).

مفهوم شأن انسانی نیز عمده‌تاً در مباحث اجتماعی و فقهی به‌ویژه در تنظیم روابط میان افراد و تعیین جایگاه اجتماعی آنها به‌کار می‌رود. شأن انسانی بیشتر به ویژگی‌های اجتماعی و عرفی وابسته است و تابع فرهنگ و شرایط خاص اجتماعی در هر زمان و مکان خاص تلقی می‌شود (Mesbah Yazdi, 2004). از این منظر، تفاوت بنیادی شأن و کرامت در این است که شأن انسانی تابع عواملی همچون مقام، جایگاه اجتماعی و عرف جامعه است؛ در حالی که کرامت، امری ذاتی و غیرقابل تغییر است (Motahhari, 2000).

با توجه به اهمیت مفاهیم کرامت و شأن انسانی، پژوهشگران در حوزه‌های مختلف فقهی کوشیده‌اند ابعاد گوناگون آن را بررسی کنند. برای مثال در فقه کیفری، اصل کرامت انسانی به‌عنوان معیاری برای تعیین حدود مجازات‌ها و رعایت حقوق متهمان و محکومان مطرح شده است (Mohaghegh Damad, 2011). همچنین در فقه سیاسی، مفهوم کرامت انسانی، به‌عنوان مبنایی برای مشروعیت حکومت و نیز حقوق شهروندی و سیاسی در نظام اسلامی طرح شده است (Kadivar, 2013). در حوزه‌های دیگر مانند فقه خانواده و پزشکی نیز مفهوم کرامت به‌عنوان اصلی برای تنظیم روابط عادلانه میان اعضای خانواده و رعایت حقوق بیماران مطرح می‌گردد (Aramesh, 2007).

با وجود این تأکیدات، بررسی انتقادی مفهوم کرامت و شأن انسانی در متون فقهی نشان می‌دهد که این مفاهیم با چالش‌ها و ابهامات مفهومی قابل توجهی مواجه است. از جمله این چالش‌ها، تعارض میان برخی مجازات‌های شرعی با اصل کرامت انسانی است؛ به‌ویژه مجازات‌هایی مانند قصاص، حدود و برخی احکام تعزیری که از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، تناسبی با کرامت انسانی ندارند (Soroush, 2000). همچنین نقدهایی در حوزه مسائل جنسیتی مطرح است و برخی پژوهشگران استدلال کرده‌اند که تفاوت در حقوق زنان و مردان، مانند تفاوت در ارث و دیه، به‌نوعی با اصل کرامت ذاتی انسان در تعارض است (Mir-Hosseini, 2006).

ابهام و عدم انسجام مفهومی نیز یکی دیگر از چالش‌هایی است که مفهوم کرامت انسانی در فقه با آن مواجه است. بسیاری از پژوهشگران فقهی و اخلاقی به این مسئله اشاره کرده‌اند که در متون فقهی گاهی مفاهیم کرامت، شأن، حرمت و حتی عزت با یکدیگر خلط می‌شوند و نیاز به یک تبیین

دقیق‌تر از این مفاهیم احساس می‌شود (Kadivar, 2013; Soroush, 2000). همچنین نسبت مفهوم کرامت انسانی در فقه اسلامی با مفاهیم جهانی حقوق بشر نیز از دیگر مسائل چالشی و مهم است که نیازمند بحث و بررسی بیشتری است. در این زمینه، برخی صاحب‌نظران معتقدند فقه اسلامی نیازمند بازخوانی مفهوم کرامت با توجه به اصول و ارزش‌های پذیرفته‌شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر است (An-Na'im, 1990). بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل انتقادی مفاهیم کرامت و شأن انسانی در متون فقهی و با تکیه بر روش تحلیل مفهومی انجام گرفته است. ضرورت این پژوهش از آن‌روست که روشن شدن این مفاهیم و تمایز دقیق آنها، می‌تواند به ارتقای کیفیت مباحث فقهی و نیز کاربرد عادلانه‌تر و انسانی‌تر احکام در حوزه‌های مختلف فقه اسلامی کمک کند. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با استفاده از دیدگاه‌ها و تجربیات متخصصان و فقه‌های معاصر، ضمن شناسایی خاستگاه‌ها و کارکردهای این مفاهیم، مهم‌ترین چالش‌ها و ابهامات موجود را نیز مورد تحلیل و بررسی عمیق قرار دهد.

روش‌شناسی

در این پژوهش، از رویکرد کیفی با تمرکز بر روش تحلیل مفهومی برای واکاوی انتقادی مفاهیم «کرامت» و «شأن انسانی» در متون فقهی استفاده شده است. تحلیل مفهومی به‌عنوان یکی از روش‌های رایج در پژوهش‌های فلسفی و فقهی، امکان تبیین دقیق‌تر معنای واژگان کلیدی و کشف پیش‌فرض‌های نظری درون مفاهیم را فراهم می‌سازد.

این مطالعه به‌صورت کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مفهومی در چارچوب مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. جامعه‌ی هدف پژوهش شامل اساتید و پژوهشگران حوزه علمیه و دانشگاه‌های تهران با تخصص در فقه اسلامی و اخلاق اسلامی بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد تا افرادی با دانش و تجربه کافی درباره مفاهیم کرامت و شأن انسانی در متون فقهی انتخاب شوند. پس از انجام ۱۸ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد و روند گردآوری داده‌ها متوقف گردید.

ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که به‌صورت حضوری با مشارکت کنندگان در محل مؤسسات علمی یا دانشگاه‌ها انجام شد. سؤالات مصاحبه حول محور تعریف، دلالت‌ها، کاربردها، و تمایزهای مفهومی کرامت و شأن انسانی در منابع فقهی طراحی شدند. هر مصاحبه حدود ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت مشارکت کنندگان ضبط و سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی شد.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شد. مراحل تحلیل شامل کدگذاری باز، استخراج مضامین اولیه، سازمان‌دهی مفاهیم و نهایتاً تبیین ساختار مفهومی نهایی بود. جهت افزایش دقت تحلیل و طبقه‌بندی کدها، از نرم‌افزار Nvivo استفاده شد. در فرآیند تحلیل تلاش شد تا لایه‌های ضمنی، مفاهیم متعارض و مفروضات نهفته در کاربردهای فقهی مفاهیم کرامت و شأن انسانی شناسایی و تحلیل شوند. همچنین، اعتبار و پایایی یافته‌ها از طریق بررسی هم‌زمان توسط دو پژوهشگر و بازبینی مشارکت کنندگان منتخب تضمین گردید.

یافته‌ها

مقوله اول: خاستگاه‌های مفهومی کرامت

کرامت ذاتی:

بیشتر مشارکت کنندگان بر این باور بودند که کرامت ذاتی، یک ویژگی غیرقابل سلب است که به همه انسان‌ها صرف نظر از دین، نژاد و جنسیت تعلق دارد. به گفته یکی از فقها: «این که انسان به صرف انسان بودن، از کرامت برخوردار است، در قرآن تصریح شده و نیازی به شرط دیگر ندارد». این دیدگاه ناظر بر این است که کرامت ذاتی پیشینی و مرتبط با آفرینش الهی است.

کرامت اکتسابی:

در مقابل، برخی مشارکت کنندگان بر کرامت اکتسابی تأکید داشتند و آن را مبتنی بر تقوا و عمل صالح دانستند. یکی از اساتید حوزه علمیه اظهار داشت: «کرامت حقیقی در تقواست. کسی که از مسیر الهی خارج شود، از کرامت اخلاقی ساقط می‌شود، گرچه کرامت آفرینشی او باقی است». این نگاه، کرامت را امری دین‌محور و مشروط به تعهدات اخلاقی می‌داند.

تمایز کرامت و شأن انسانی:

اغلب مشارکت کنندگان بر این نکته تأکید داشتند که مفهوم شأن انسانی از نظر فقهی بیشتر به جایگاه اجتماعی و عرفی افراد اشاره دارد و با کرامت ذاتی متفاوت است. یکی از پژوهشگران گفت: «شأن انسان تابع موقعیت اجتماعی و شرایط فرهنگی است، ولی کرامت، شأن وجودی اوست». این تمایز برای جلوگیری از خلط مفهومی ضروری ارزیابی شد.

ریشه‌های قرآنی کرامت:

اکثر مشارکت کنندگان به آیه «و لقد کرّمنا بنی آدم» استناد کردند و آن را ناظر بر کرامت عمومی انسان دانستند. به گفته یکی از شرکت کنندگان: «این آیه نه تنها سندی قرآنی بر کرامت ذاتی است، بلکه آغاز گفت‌وگوهای بین‌الادیانی درباره ارزش انسان نیز هست». ارجاع به مفاهیمی چون خلافت، عقل و علم نیز دیده شد.

جایگاه عقل در تعریف کرامت:

بسیاری از شرکت کنندگان، عقل را زیربنای کرامت انسانی دانستند. «انسان با عقلش مکلف می‌شود، و همین عقل است که او را شایسته کرامت می‌سازد»؛ این جمله از یکی از استادان دانشگاه، نشان‌دهنده پیوند درونی میان عقلانیت و کرامت در فقه است.

ارتباط کرامت با فطرت:

چند نفر از مصاحبه‌شوندگان به فطری بودن کرامت اشاره کردند. یکی از آنان گفت: «کرامت ریشه در فطرت دارد؛ انسان از درون به این آگاهی رسیده که نباید تحقیر شود». این رویکرد کرامت را با گرایش‌های ذاتی انسان به خیر، معنا، و اخلاق مرتبط می‌داند.

مقوله دوم: کارکردهای فقهی کرامت

تأثیر بر احکام کیفری:

اکثر مشارکت کنندگان معتقد بودند که اصل کرامت انسانی باید در اجرای حدود و مجازات‌ها رعایت شود. یکی از پژوهشگران فقه کیفری گفت: «قصاص و حد، نباید بهانه‌ای برای توهین یا تحقیر محکومان باشد. فقه باید نگاه کرامت‌محور به مجازات‌ها داشته باشد».

تأثیر در روابط اجتماعی:

مصاحبه‌شوندگان بر نقش کرامت در مناسبات اجتماعی تأکید داشتند. یکی از اساتید اخلاق اسلامی بیان کرد: «آیه "لا یسخر قوم من قوم" دقیقاً بیانگر کرامت اجتماعی انسان‌هاست». رعایت احترام متقابل، پرهیز از تمسخر و تحقیر، از مصادیق عینی این دیدگاه بود.

حضور در فقه سیاسی:

برخی مشارکت کنندگان، مفاهیم کرامت را در فقه سیاسی برجسته دانستند. به گفته یکی از اساتید علوم سیاسی اسلامی: «کرامت انسانی مستند به آزادی رأی، نفی استبداد، و مشروعیت مردم‌محور در حکومت اسلامی است». این رویکرد بر مبنای نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش تأکید دارد.

تأثیر در فقه خانواده:

برخی مصاحبه‌شوندگان به اهمیت حفظ کرامت در روابط خانوادگی اشاره کردند. «تحقیر همسر یا کودکان با هیچ معیار فقهی قابل توجیه نیست»، یکی از استادان حوزه این نکته را در تفسیر کرامت در خانواده مطرح کرد.

جایگاه در فقه پزشکی:

یکی از پزشکان فقه‌پژوه عنوان کرد: «رعایت کرامت بیمار یعنی او را در تصمیم‌گیری درمانی شریک بدانیم، نه فقط تابع». این دیدگاه بر لزوم حفظ اختیار، آگاهی و حریم خصوصی بیماران در فرآیندهای درمانی تأکید داشت.

مقوله سوم: چالش‌ها و مناقشات مفهومی

تعارض کرامت با مجازات‌ها:

چند نفر از شرکت‌کنندگان از این نکته انتقاد کردند که برخی احکام کیفری، به‌ویژه حدود، با اصل کرامت در تعارض است. یکی از ایشان گفت: «قطع دست یا سنگسار، اگرچه مستند فقهی دارد، ولی از منظر کرامت انسانی باید مورد بازنگری قرار گیرد».

کرامت و تبعیض جنسیتی:

تعدادی از مشارکت‌کنندگان به ناسازگاری برخی احکام فقهی با اصل کرامت زن اشاره کردند. یکی از استادان دانشگاه گفت: «وقتی دیه زن نصف مرد است، این یعنی کرامت انسانی زن نادیده گرفته شده». این نگاه، خواستار بازخوانی برخی تفاوت‌های جنسیتی از منظر کرامت است.

ابهام در تفسیر مفهومی:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان به ابهام در تعریف دقیق کرامت اشاره کردند. «ما هنوز نمی‌دانیم دقیقاً کرامت در فقه یعنی چه، گاهی با حرمت یا شأن یکی گرفته می‌شود»، این جمله ناظر بر پیچیدگی زبانی و مفهومی کرامت در منابع فقهی است.

نسبت کرامت با حقوق بشر:

برخی مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند که مفهوم کرامت در فقه باید با ادبیات حقوق بشر تطبیق‌پذیر باشد. یکی از آنان اظهار داشت: «نمی‌توانیم از کرامت حرف بزنیم و در عین حال با اصول جهانی حقوق بشر در تضاد باشیم».

سکوت منابع فقهی در موارد خاص:

تعدادی از مشارکت‌کنندگان بر وجود خلأ در منابع فقهی درباره برخی مصادیق کرامت تأکید کردند. یکی از آنان بیان کرد: «در فقه کلاسیک، مثلاً درباره حق انتخاب سبک زندگی، کمتر صحبت شده است؛ این خلأ باید پر شود».

چالش کرامت در فقه سنتی و نواندیش:

تفاوت دیدگاه بین فقهای سنتی و نواندیش از دیگر نکات برجسته در مصاحبه‌ها بود. یکی از فقهای نواندیش گفت: «فقه سنتی، نگاه تکلیف‌محور دارد، در حالی که فقه باید کرامت‌محور باشد، چون مخاطب اصلی فقه، انسان آزاد و باکرامت است».

نقش مصلحت در تحدید کرامت:

برخی شرکت کنندگان به استفاده ابزاری از مفهوم مصلحت اشاره کردند. «گاهی به نام مصلحت عمومی، کرامت فرد نادیده گرفته می شود»؛ این دیدگاه خواستار تبیین مرزهای مشروع و معقول میان مصلحت اجتماعی و کرامت فردی بود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل انتقادی مفاهیم «کرامت» و «شأن انسانی» در متون فقهی با رویکرد تحلیل مفهومی انجام گرفت. یافته های این پژوهش در سه محور اصلی، شامل خاستگاه های مفهومی کرامت، کارکردهای فقهی آن، و چالش ها و مناقشات مفهومی، دسته بندی شد. در محور نخست، مشارکت کنندگان مفهوم کرامت را در دو قالب «ذاتی» و «اکتسابی» مطرح نمودند. کرامت ذاتی از دید اکثر مشارکت کنندگان، ویژگی مشترک همه انسان ها و غیرقابل سلب بوده و مبتنی بر اصل آفرینش الهی است. این یافته با نتایج پژوهش مطهری (Motahhari, 2000) و سبحانی (Sobhani, 2003) همخوانی دارد که کرامت ذاتی را عنصری بنیادی در خلقت انسان دانسته اند. همچنین، مفهوم کرامت اکتسابی، که وابسته به تقوا و عملکرد اخلاقی است، در دیدگاه مصباح یزدی (Misbah Yazdi, 2004) نیز تأیید شده است.

در خصوص تمایز بین «شأن انسانی» و «کرامت»، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که شأن انسانی بیشتر مفهومی وابسته به عرف و شرایط اجتماعی است، در حالی که کرامت، ویژگی ذاتی و مستقل از جایگاه اجتماعی است. این نکته در پژوهش های قبلی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (Javadi, 2008؛ Amoli, 2008؛ Mesbah Yazdi, 2004). بر اساس یافته های این مطالعه، نقش عقل در تعریف و تعیین حدود کرامت، از مهم ترین عناصر تأکید شده توسط مشارکت کنندگان بود که این امر در مطالعات متقدم مانند طباطبایی (Tabatabaei, 1996) نیز مشاهده می شود که عقل را عامل اصلی تمایز انسان و کرامت انسانی می داند.

در محور دوم، یافته ها نشان داد که مفهوم کرامت در حوزه های مختلف فقهی مانند کیفری، اجتماعی، سیاسی، خانواده و پزشکی کاربرد دارد. مشارکت کنندگان معتقد بودند در اجرای مجازات ها، حفظ کرامت انسانی ضروری است و حدود و مجازات ها نباید موجب تحقیر محکوم شود. این دیدگاه همسو با نظرات محقق داماد (Mohaghegh Damad, 2011) است که رعایت کرامت محکومان را یکی از اصول بنیادین در فقه کیفری اسلامی می داند. در روابط اجتماعی نیز اصل کرامت موجب رعایت احترام متقابل و پرهیز از رفتارهای تحقیرآمیز می شود؛ این نتیجه با مطالعات کدیور (Kadivar, 2013) همخوانی دارد که کرامت انسانی را معیاری برای ارزیابی روابط اجتماعی معرفی کرده است.

همچنین در فقه سیاسی، پژوهش حاضر نشان داد کرامت انسانی مبنایی برای مشروعیت سیاسی و رعایت حقوق شهروندی است. این یافته منطبق بر مطالعات سروش (Soroush, 2000) و کدیور (Kadivar, 2013) است که رعایت اصل کرامت انسانی را در مشروعیت نظام های سیاسی و دینی مؤثر دانسته اند. در فقه خانواده و پزشکی نیز نتایج این مطالعه نشان داد که حفظ کرامت افراد در روابط خانوادگی و درمانی بسیار مورد تأکید است، که مشابه دیدگاه آرامش (Aramesh, 2007) درباره اهمیت کرامت در حوزه پزشکی اسلامی است.

در محور سوم، پژوهش حاضر چالش ها و مناقشات مهمی را درباره مفهوم کرامت در فقه شناسایی کرد. از جمله این چالش ها، تعارض برخی مجازات ها مانند قصاص و حدود شرعی با کرامت انسانی است. این نتیجه در پژوهش سروش (Soroush, 2000) نیز به طور جدی مطرح شده و او بر لزوم بازنگری در رویکرد سنتی نسبت به اجرای حدود تأکید کرده است. همچنین، مسئله تبعیض جنسیتی در برخی احکام فقهی، مانند تفاوت در دیه و ارث، به عنوان نقض کرامت انسانی زنان از سوی مشارکت کنندگان این پژوهش مطرح شد. این یافته ها با مطالعات میرحسینی (Mir-Hosseini, 2006) همخوانی دارد که رویکردهای فقه سنتی نسبت به زنان را به چالش کشیده است و خواهان بازخوانی این احکام از منظر عدالت و کرامت انسانی شده است.

ابهام در تعریف دقیق مفهوم کرامت، یکی دیگر از چالش‌هایی بود که پژوهش حاضر به آن اشاره کرد. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که فقدان تعریف منسجم و واضح از کرامت انسانی، موجب ابهام در برداشت‌های فقهی شده است. این نتیجه مشابه پژوهش کدیور (Kadivar, 2013) است که بر ضرورت تبیین دقیق‌تر و تمایز مفهومی بین کرامت و شأن انسانی تأکید کرده است. همچنین، رابطه بین کرامت انسانی و حقوق بشر بین‌المللی، از دیگر چالش‌های مطرح شده بود. نتایج این پژوهش نشان داد که برخی مشارکت‌کنندگان بر ضرورت سازگاری فقه اسلامی با ادبیات جهانی حقوق بشر تأکید دارند که این رویکرد با پژوهش النعیم (An-Na'im, 1990) همخوانی دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

References

- An-Na'im, A. A. (1990). *Toward an Islamic Reformation: Civil Liberties, Human Rights, and International Law*. Syracuse University Press.
- Aramesh, K. (2007). Human dignity in Islamic bioethics. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*, 1(1), 25-36.
- Javadi Amoli, A. (2008). *Mafatih al-hayat*. Qom: Esra Publication.
- Kadivar, M. (2013). Human rights and intellectual Islam. In *Islam and Human Rights in Practice* (pp. 47-74). Routledge.
- Mir-Hosseini, Z. (2006). Muslim women's quest for equality: Between Islamic law and feminism. *Critical Inquiry*, 32(4), 629-645.
- Misbah Yazdi, M. T. (2004). *A Commentary on Islamic Philosophy and Theology*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Mohaghegh Damad, S. M. (2011). *Human Rights and Legal Traditions in Islam*. Tehran: Markaz Nashr-e Ulum-e Islami.
- Motahhari, M. (2000). *Human Nature in Islamic Perspective*. Tehran: Sadra Publications.
- Sobhani, J. (2003). *Doctrines of Shia Islam: A Compendium of Imami Beliefs and Practices*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Soroush, A. (2000). *Reason, freedom, and democracy in Islam*. Oxford University Press.
- Tabatabaei, M. H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- The Holy Quran. (n.d.). (A. Yusuf Ali, Trans.). Islamic Propagation Centre International.